

ولایت لہوگر

دگرگونی ستراتیژیک یک جامعہ کهن

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت ششم

رفتی و جای پای تو دیدم گریستم

نام تو را زهر کی شنیدم گریستم



مرجان در لہوگر

در چند کیلومتری بَرکی بَرک، قریہ بَرکی راجان موقعیت دارد کہ در آنجا در سنہ 1912 میلادی یک جمعیتِ خیلی قدیم، از اهل ہنود کہ در حدود 150 فامیل تخمین گردیدہ، و بہ زبان فارسی تکلم می کردند، مستقر بودند.

(ادمک، (Adamec) در سال 1985، صفحہ 91، ہندوہا یک جمعیتی اند کہ ہمہ زارعین و فارسی زبان ہودہ و بر علاوہ یک تعداد شان در جنوب ننگرہار نیز اقامت دارند. اما معلومات در بارہ تاریخچہ و تشکیلاتِ اجتماعی شان در دست نیست).

در حدود 30 فامیل ہندو در سنہ 1912 میلادی در ولسوالی چَرخ نیز اقامت داشتند و یک تعداد دیگر از فامیل های شان در نواحی مختلف مثل کولنگار و در قسمت های مرکزی درہ لہوگر نیز متفرق گردیدہ بودند.



قریه برکی راجان

اکثریت جمعیت هندو یک کتگوری مرفه را تشکیل داده بود، که زیادتیر به فعالیت های زراعتی و دادن کریدی ها مشغول بودند. و علاوه تاجک ها نیز در ولایت لهوگر مستقر هستند.

به این ترتیب دو قومی که امروز در ولایت لهوگر موجود هستند پشتون ها و تاجک ها می باشند، که از نظر تاریخی در عین زمان هم به مناطق کوهستانی و هم به دره اصلی و اساسی ارتباط می گیرند. این محل کوهستانی از قرن ها به حیث نقطه عبور و رفت و آمد بوده که بالاخره به مسکن گزینی یک تعداد تاجک ها انجامیده است.

(در اثر فشار های مهاجرتی، پشه یی های دره های اطراف ولایت کابل به طرف بلندی های کنر، نورستان و دره نور تپله شده اند).

دره مرکزی لهوگر برای همه، دلالت به یک راه دستیابی به غنای تولیداتی مهم نموده که قبل از جنگ دو کتگوری مردم، که به گمان اغلب امروز از بین رفته اند، در آن جا اقامت داشتند، که عبارت از اورمورها و هندوهای برکی راجان و اطراف آن می باشند.

مفهوم قوم، تعیین کننده یا نشان دهنده یک جمعیت می باشد، با وجود آن می تواند چندین معنی داشته باشد، و همچنین می تواند ریفرانس خود را از چندین مکان متنوع که از حقایق اجتماعی به سویه منطقه و نظر به احوال و اوضاع و شرایطی که استعمال شده، بگیرد.

در حقیقت اصطلاح قوم ارتباطات چندین کتگوری هویتی را تشکیل می دهد که عبارت اند از: نژاد، قوم، قبیله و یا خویشاوندی.

ریشارد تپر (Richard Tapper) در مورد مبهم بودن و گنگی اصطلاح قوم که می تواند به یک گروه و یا یک قبیله راجع شود، آن را مشخص ساخت، به این ترتیب یک گروه مردم را در نظر گرفت که هیچ نوع ارتباطات نه قومی و نه خویشاوندی وجود داشته باشد یعنی (که نه از نظر بیولوژیکی و نه ارتباطات از طریق نکاح).

در این صورت اصطلاح قوم به قرار ریشارد تپر (Richard Tapper) ریفرانس خود را از بُعد ایدولوژیکی و یا فرهنگی گرفته و به حیث یک گروه یک جا، قبایل را تشکیل می دهند، که این بُعد و وسعت به گروه های غیر قبایلی نیز صدق می کند. بر علاوه یک تعداد زیاد مشخصات که ارتباط می گیرد به انتروپولوژی کلتوری مردمان قبایلی، بخصوص پشتون ها، در نزد دیگر نژاد ها نیز دیده می شود مثلاً نزد مردمانی که در یک محل مستقر گردیده اند مانند تاجک ها. این جوامع دارای مشخصات مشترک می باشند، که مربوط و مختص به تشکیلات اجتماعی و مشخصات فرهنگی آن ها بوده، مانند کوچی ها، که به شغل زراعت و مالداری مصروف اند، عین مشخصات بالای اجتماعات وسیع نیز قابل دریافت است.

به تمام نژاد ها، مفهوم قوم و یا اجتماع به یک تعداد عرف و عادات که از لا به لای تعیین هویتی، توسط شخصی که عضو آن گروه و دارای عین رسوم و سنت های آن می باشد، نشان داده می شود. رواج و یا قوانین و مقررات، رسم و آیین و سلوک و رفتار، ارزش های گروه را نشان دهنده بوده، و به مفهوم غیرت، عزت و ناموس ارتباط می گیرد. این آخرین در عین زمان نشان دهنده عادات و طرز زندگی تمام گروه را نمایندگی می کند. به این ترتیب مفهوم عزت و ناموس نقش مرکزی را در ساحه ارزش های سمبولیک، یا به عباره دیگر گفته می توانیم در ساحه موضوعات فرهنگی که وظیفه سمبولیک ساختن را با ارتباطات اجتماعی، تحقق می بخشد.

تمامی این تمایلات که ذکر شد، نشان دهنده ترتیب و نوع روابط اجتماعی در داخل گروه و در خارج گروه می باشد. و این تضمین کننده به هم پیوستن بین ساحه سمبولیک - ساحه ارتباطات هویتی - پیوند و حمایت از ارزش ها - ساحه اجتماعی و ساحه فعالیت های اجتماعی بین اشخاص می باشد که توسط سلسله مراتب معین و مشخص گردیده است. قشر بندی و دینامیک اجتماعی - اقتصادی و ساحه یی که در آن ارتباطات قواء بین بازیگران تنظیم شده است.

از نقطه نظر پلان سمبولیک قبول کردن یک شخص از یک سیستم ارزش های دسته جمعی، در نتیجه باعث تعریف از خود وی و از دیگران یا گروه می شود.

تخطی از دستوراتی که به سوال غیرت و ناموس وابسته باشد، مایه بدنامی و ننگ، نه تنها به خودش بلکه به تمام گروه ضربه وارد می کند. و به این ترتیب مسئولیت دسته جمعی دخیل می باشد.

به همین دلیل است که سیستم ارزش ها بر می گردد به ساحه سمبولیک، بدین معنی که چیزی که در یک مجتمع یا گروه اجتماعی واقع می شود، ارتباط بین اعضاء را تضمین می کند.

پیوست دادن این ساحه سمبولیک با ساحه سیاسی و اجتماعی توسط یک دینامیک ساختاری در یک محیط، معین و مشخص می باشد.

داخل شدن به جنگ از سال 1980 میلادی نشان دهنده یک تغییرات سریع در بافت اجتماعی بوده، که مخصوصاً نتیجه آن مشکلات قومی و نژادی را در بین جمعیت ولایت لهوگر به همراه داشته و سبب از بین رفتن بعضی از گروپ ها مانند هندوها و اورمورها گردیده است.

ادامه دارد